



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی
معاونت توسعه منابع و پشتیبانی
اداره کل امور اداری

گروه آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی

عنوان جلسه: کارگاه فطرت‌گرایی توحیدی - رویکرد و منطق نام استاد: دکتر ملکی مورخ ۹۹/۴/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

رویکرد و منطق در برنامه درسی

مقدمه

اولاً از همه شما صمیمانه تشکر می‌کنم از بابت فعال‌سازی کارگروه‌های تحول و از فرد فرد شما ممنونم، از آقای دکتر محبی صمیمانه تشکر می‌کنم و باز هم تأکید می‌کنم که محبت کنید این کارگروه‌های تحول را تعطیل نکنید تقویت کنید، ما اگر چیزی بخواهیم به دست بیاوریم از همین مباحثات شماسست. عرایضی بنده مطرح می‌کنم شما در این کارگروه‌هایتان عرایض بنده را ایده‌هایی که مطرح می‌شود نقد کنید حرف بزنید و اینجا ارائه بدهید گفتگو کنید نهایتاً با هم به یک نهایی برسیم و زمان خیلی زیادی هم نداریم من قبلاً محضرتان عرض کردم، ما بخش قابل توجهی از زمان را از دست داده ایم بدون اینکه کوچکترین قدرناشناسی نسبت به زحمات گذشته داشته باشیم همه تلاش کرده اند، همه سعی کرده اند، دستشان درد نکند ولی آن کاری که باید می‌شد، نشده است. حالا ما از خدا طلب می‌کنیم به کمک شما به آن کار نزدیک شویم و آن کار چیست؟ تولید برنامه‌های درسی مبتنی بر اسناد تحولی ما.

ما این مأموریت مشترک را همیشه در ذهن داشته باشیم. طبیعتاً باید ابتدا استاندارد‌های برنامه درسی تولید شود، این دوره‌های آموزشی یا هم اندیشی که یک هفته در میان در روزهای شنبه اجرا می‌شود برای کمک به همان منظور است و بعد از

استانداردها، تولید مواد آموزشی، بسته های یادگیری به طور جد ان شاءالله دنبال می کنیم با همان رویکردی که داشتیم دیگر بنا نداریم در این گروه هایی که ان شاءالله در ساختار جدید می خواهد مستقر شود خودشان لزوماً مؤلف شوند، باید در قالب آن الگوی برون سپاری که الان در حال طراحی است مدیریت کنند دیگران را به صحنه بیاوریم ، چهار نفر پنج نفر بنشینند خودشان طراحی کنند، تألیف کنند، برویم به سمت نوع دیگری از کار دیگران را به صحنه بیاوریم منتها با مدیریتی که خود شما ان شاءالله در گروه های در حال شکل گیری که در قالب همان یازده حوزه تربیت و یادگیری که در دل آنها گروه های خُرد، واحد های کوچک تری شکل خواهد گرفت به یاری خدا حالا کم و کیف این را باهم گفتگو خواهیم کرد ما کار را به این شکل مدیریت کنیم در یک جا. نه حوزه، نه دوره، یک جا یک مرکزیتی وجود خواهد داشت یازده حوزه تربیت و یادگیری و مغز متفکر سازمان هم همین یازده هم حوزه تربیت و یادگیری است. ان شاءالله به آن سمت داریم حرکت می کنیم.

اما در این جلسه من شاید نمی دانم الان ۹:۱۵ است تا ساعت ۱۰ بنده مصدع شوم یک مطلب مهمی را عرض کنم و آن این است که آن بحث منطق را هرکسی از ظن خود نوشته است و این چیز جالبی نیست فردا باید من و شما بگوییم که ما رویکرد و منطق را با یک چارچوب معین، تعریف شده و قابل دفاع که باهم توافق داریم طراحی کرده ایم مثلاً در یک جا فرض کنید برای منطق چهار پنج صفحه مطلب نوشته اند در یک جا یک صفحه نوشته اند بعد سیاق مطالب باهم جور نیست به هر حال از ما سؤال می کنند، منطق برنامه درسی یعنی چه؟ ما باید اولاً علمی حرف بزنیم یعنی درست بیان کنیم، مدلل بیان کنیم، بعد منسجم بیان کنیم نمی شود که در سازمان چند جور حرف بزنیم درباره منطق، آن هم با این همه برنامه ریزی درسی خوانده. در اینجا الحمدلله الان دیگر بیست سال قبل نیست، الان صاحب نظرانی در اینجا حضور دارند خدا را شکر می کنیم از این بابت به همین دلیل بنده با قدرت در بیرون از اینجا حرف می زنم. من که قدرتی ندارم قدرت مال شماست با تکیه بر شما دارم در بیرون پُز شما را می دهم و کار را به این سرعت ان شاءالله به یاری خدا پیش خواهیم برد.

رویکرد و منطق برنامه درسی

این دو مفهوم رویکرد و منطق را در چند اسلاید بنده نکاتی آماده کرده‌ام و آخر سر هم در یک جدولی یک فرمت عملیاتی پیشنهاد می‌کنم. در ارتباط با این بحث، نگوییم منطق و رویکرد، بگوییم **رویکرد و منطق**. به این دلیل که از جهت علمی و آن مرتبه مفهومی، **رویکرد مقدم است بر منطق برنامه درسی** این واژه منطق، معادل همان واژه لاتین rational این واژه‌ها است دیگر، واژه منطق در اینجا، با آن منطق به معنای logic به معنای منطق ارسطویی فرق می‌کند، اینجا که می‌گوییم منطق برنامه درسی، یعنی عقلانیت را می‌خواهیم به نوعی به برنامه درسی مان حاکم کنیم. **منطق برنامه درسی یعنی چرایی برنامه درسی**. اگر از ما پرسیدند شما چرا این هدف چرا این محتوا؟ صرف نظر از خود محتوا، چرا این جهت گیری در هدف؟، چرا این جهت گیری در محتوا؟ چرا این جهت گیری در روش؟، پاسخ آنها می‌شود منطق ما. پس منطق برنامه درسی یک توافقی داشته باشیم، چرایی تصمیمات ماست و آن چیزی که شما در الگوی تار عنکبوتی اگر هم ملاحظه می‌کنید، آنجا هم خیلی هوشمندانه اگر آمده منطق را کجا قرار داده، در به اصطلاح وسط میدان، در وسط مفهوم، در کنار سایر عناصر نیست. خودش یک عنصر هست، اما عنصر محوری است. عنصر اثرگذار است. یعنی همه عناصر دیگر باید به نوعی از منطق اثر بپذیرند. به همین دلیل جایگاهش در مرکزیت قرار گرفته است. خوب ما باید به این توجه کنیم، بنابراین اولاً منطق، عنصر محوری است، از عناصر است. یک موقع ذهنمان طور دیگری نرود. منطق یکی از عناصر برنامه درسی است، اما عنصر محوری. عنصر تأثیر گذار است به همین دلیل هم در مرکز این مدل اگر قرار می‌گیرد. ولی منطق آمده وارد ادبیات ما شده ایرادی ندارد ما استقبال می‌کنیم، اما درست به کار ببریم.

منتها این منطق متأثر از رویکرد است. رویکرد که معادل approach است که استحضار دارید، آنچه که اینجا من تدوین کردم برایتان، مجموعه ای از باور های صریح یا تلویحی درباره برنامه درسی و برنامه ریزی درسی است این مجموعه باورها برای اینکه یک رویکرد محسوب شوند، باید به اندازه کافی منسجم و جامع باشند تا به عنوان راهنمای عمل

مراحل مختلف برنامه ریزی را هدایت کنند. خوب حالا شما این تعریف را داشته باشید، ما در برنامه درسی یک سری واژه های بدیل داریم، گاهی وقت ها جایگزین به جای همین رویکرد به کار می رود. حالا این هم یک علتی دارد الان اشاره می کنم، مثلاً واژه هایی مانند تصویر، جهت گیری، orientation، دیدگاه، پرسپکتیو، موضع، اینها در خیلی از منابع در معنای رویکرد به کار برده می شود. گاهی وقتها جهت گیری گفته می شود، مراد رویکرد است. رویکرد گفته می شود، مراد جهت گیری است. گاهی وقتها دیدگاه با رویکرد معادل گرفته می شود. اینها هست، اینها ادبیات برنامه درسی را مطالعه بفرمایید ملاحظه می کنید. حالا چرا اینگونه است؟ خوب چرای آن برمی گردد به اینکه ما اصولاً در علوم انسانی، در علوم تربیتی بخشی از واژه ها قراردادی اند دیگر، این را باید بپذیریم. هر صاحب نظری بنا به برداشت و تحلیل خودش یک تعریفی از یک مفهوم دارد یک برداشتی از یک مفهوم دارد این هم خواست برنامه درسی نیست. اصولاً در علوم تربیتی و در علوم انسانی شما این سیال بودن مفاهیم را می بینید. خوب این هم از واقعیت این علوم گرفته می شود چون علوم انسانی اند، رفتاری اند خیلی راحت هر کسی از ظن خود یار این مفاهیم می شود، برخلاف علوم تجربی و طبیعی که آنجا مهندسی شده تر حرف می زنند خوب این را هم شما استحضار دارید و تعجب هم نکنید اما آنچه که بنده پیشنهاد می کنم و فهم کرده ام، وقتی که از رویکرد حرف می زنیم از همان جهت گیری برنامه درسی حرف می زنیم، منتها جهت گیری که راهنمای عمل است. یعنی جهت گیری که راهنمای عمل است که من در واقع در اسلاید بعدی این ویژگی های رویکرد را اینجا حداقل پنج ویژگی بارزش را عرض کرده ام.

اولاً رویکرد دربرگیرنده یک فهم روشن از برنامه درسی و برنامه ریزی درسی است؛ یعنی چه؟ یعنی اگر شما به یک رویکرد مطالعه کردید، آن به شما بگوید که در این رویکرد برنامه درسی به چه معناست. برنامه ریزی درسی چگونه است، یعنی در واقع رویکرد به اصطلاح صامت نباشد. رویکرد صریح و روشنگری در ارتباط با خود

برنامه درسی داشته باشد، رویکرد های مختلف وجود دارد در هر رویکردی، برنامه درسی، برنامه ریزی درسی اینها به صورت متفاوت به کار می رود که کفایت شما این کتابهای به زبان فارسی را مطالعه کنید، انواع رویکرد ها آنجا مشخص است هر رویکردی، یک جور به برنامه درسی نگاه می کند و دوم اینکه یک نظام ارزشی صریح، این هم ارزش نیست، نظام ارزشی

صریح و هدایتگر اقدامات دهه شصت. من یک وقتی به شما عرض کردم، اجازه می‌خواهم الان هم تکرار کنم، برنامه درسی ذاتاً value based است. یعنی چه؟ ذاتاً ارزش مدار است. این را من گفتم؟ چه کسی این را گفته؟ ذات برنامه درسی. سرشت برنامه درسی، ارزش مدار است.

بارها به شما عرض کردم، شما این را می‌خواهید امتحان کنید؟ کتابهای درسی چند کشور را با هم مقایسه کنید. ببینید چطور راحت و روشن به شما می‌گوید که هر کتاب درسی هر کشوری، یک بار ارزشی خاص آن کشور را دارد. این هم تعجب ندارد، طبیعی هم هست. برای اینکه در هر کشوری برنامه درسی یک وسیله است یک ابزار است که نظام ارزشی و فرهنگی و اعتقادی آن ملت را نه تعجب باید کرد نه غیر طبیعی. فلذا اگر برنامه های درسی فرض بفرمایید کشور های غربی فلان جور انسان را می‌خواهند تربیت کنند باید من و شما در سازمان پژوهش آن انسانی را که در اسناد بالادستی ما مطرح است، آن را تربیت کنیم. یعنی انسانی تربیت کنیم این انسان مؤمن، متفکر، آگاه، و... آن چیزهایی که در خود اسناد شما ملاحظه می‌کنید. شاخص این است که عرض کردم یک کاری نشده حالا ما می‌خواهیم یک مقدار به آن سمت حرکت کنیم همین است برنامه های درسی ما یک نقشه راهی باشند برای اینکه آن آدم را ما کمک کنیم تربیت شود و الا غیر این چه فایده ای دارد چه کار می‌توانیم ادعا کنیم ما. انسجام و یکپارچگی، رویکرد باید منسجم باشد، رویکرد پخش و پلا هیچ فایده ای ندارد. یعنی به رویکرد که نگاه می‌کنیم، فرض کنید همین رویکرد فطرت گرایی توحیدی، به عنوان یک رویکرد است.

ویژگی های رویکرد

این رویکرد انسجام، یکپارچگی اجزای آن باهم این باید باشد. جامعیت ویژگی دیگر رویکرد است. به همه ابعاد باید توجه شود حالا آن به همه ابعاد یک بعدش این است. همین مطلبی که گاهی وقتها از بنده شنیده اید، رشد همه‌جانبه آدم ها اینجا مصداقش است. ما که نمی‌توانیم در برنامه های درسی مان مثلاً فقط به بعد عقلانی توجه کنیم آن را تقویت کنیم اما فراموش کنیم این آدم عواطفی هم دارد. این آدم جامعه گرایی هم دارد، این آدم گرایش به الله هم در سرشتش است. اینها را فراموش کنیم. این نگاه جامع این است که به همه این ابعاد فطری ما به صورت هماهنگ توجه کنیم و در برنامه

درسی ببینیم چه کار باید کنیم. حالا جامعیت یک وجهش این است. وجوه دیگری هم می‌تواند داشته باشد. این رویکرد ظرفیت این را داشته باشد که شما از دل این رویکرد بسته آموزشی بیرون بکشید

اصطلاحاً، یعنی یک رویکردی نباشد که شما مثلاً فقط ظرفیت یک سری رسانه‌های نوشتاری فقط در آن باشد. نتوانید خیلی مانور تولید مواد آموزشی بدهید. یک معنای جامعیت هم الان همین می‌تواند باشد.

آن جامعیت اصلی جامعیت رشد آدم‌ها است. این را استحضار دارید انسان تک بعدی خطرناک است. هم به خودش هم به دیگران آسیب می‌زند البته پرورش انسان چند بعدی کار سختی است ولی این کار سخت را در برنامه درسی من و شما باید برایش فکری کنیم حالا در جاهای دیگر هم آنها فکر می‌کنند مثلاً صدا و سیما هم نمی‌تواند نگاه یک بعدی داشته باشد اما آن به ما ربطی ندارد ما مسئول برنامه‌های درسی هستیم اینجا باید به این سوال پاسخ دهیم فردا برنامه درسی فرض بفرمایید حوزه تربیت و یادگیری مطالعات اجتماعی آمد اگر سوال کردیم در این برنامه شما این جامعیت کجاست؟ باید روشن جواب داد.

و راهنمای عمل، این ویژگی آخر ویژگی بارز رویکرد است. رویکرد باید راهنمای عمل باشد یعنی طوری باشد ما را مرحله به مرحله پیش ببرد. کتاب راهنمای عمل که بنده تالیف کردم اولین کتابی احتمالاً بود، من اصلاً اسمش را گذاشته‌ام راهنمای عمل که الان به چاپ هفدهم و هجدهم رسیده، اصلاحاتی هم در آن انجام داده‌ام با این نگاه آن موقع آن را تألیف کرده‌ام، هر چند زمان می‌گذرد بیشتر در این راسخ تر می‌شوم برنامه ریزی درسی نمی‌دانم اگر گاهی وقتها به آن می‌گوییم هنر خیلی من نگران نیستم این واژه را به کار ببریم خیلی آمیخته به عمل است، خیلی آمیخته به هنر است باید این راهنمای عمل بودن در رویکرد لحاظ شود. حالا اینها به ذهن بنده رسیده شما اندیشه کنید فکر کنید نقد کنید من فکر می‌کنم یک رویکرد این پنج ویژگی بارز را باید داشته باشد این ویژگی آخری دیگر بارزترین آن‌هاست.

خوب حالا منطق که بر اساس رویکرد تدوین می‌شود عرض کردم از منطق که حرف می‌زنیم از عقلانیت در برنامه درسی، منطق همان عقلانیت برنامه درسی است. منطق چرایی انتخاب‌ها در تدوین برنامه درسی است این چرایی خیلی مهم است چون می‌دانید که هر جا عقل حاضر شد چرا گویی در آنجا حاضر است و امکان ندارد یک آدم عاقل چرا گو نباشد آدم عاقل

انسان منفعل نیست برنامه درسی عاقل هم همین است فلذا یک توافقی با هم داشته باشیم هر وقت از منطق برنامه درسی حرف می زنیم از چرایی تصمیمات داریم حرف می زنیم منتها این چرایی روح همه عناصر است چرا هدف، چرا محتوا، چرا روش، چرا ارزشیابی و چرا عناصر دیگر به همین دلیل عرض کردم جای منطق در شکل نظام مفهومی برنامه درسی حکم خورشید را دارد انگار مثلاً همه جا باید این چرایی را پاسخ بدهد. اما عنایت داشته باشید که منطق بعد از رویکرد است یعنی چرایی ریشه در رویکرد دارد. حالا این دیگر نقشه عمل ما است. چگونگی تعیین رویکرد و منطق در برنامه ریزی درسی حوزه های تربیت و یادگیری. این فرمول است ما نقشه راهنما، نقشه عمل مان در تدوین منطق برنامه ریزی درسی در حوزه تربیت و یادگیری X، چیست؟

که همه به این قاعده عمل می کنیم خوب مبانی که است، خوب مبانی ما همان مبانی است که استحضار دارید در اسناد تحولی ما است مخصوصاً مبانی در آن کتاب مبنایی قطوری که وجود دارد، آنجا باید شما عمده مبانی را جستجو کنید که در اسناد تحولی ما یک برش هایی از مبانی آمده بعد رویکرد فطرت گرایی توحیدی رویکرد بر اساس آن مبانی شکل گرفته رویکردی که الان داریم ما خودمان را ذیل آن قرار دادیم و داریم بحث می کنیم فکر می کنیم همان چیزی که وظیفه شماست و خیلی هم وظیفه حساسی است، رویکرد خاص هر حوزه تربیت و یادگیری است. ما در رویکرد فطرت گرایی توحیدی با هم بالاخره مشکلی نداریم و اگر هم داشته باشیم بالاخره اسنادی است مراجعه می کنیم می فهمیم گفت و گو می کنیم بر پایه رویکرد فطرت گرایی توحیدی، باید هر حوزه ای رویکرد خاص خودش را تعیین کند. این چیزی است که روی آن خیلی توجه نشده. فرض بفرمایید در زبان و ادبیات فارسی یا هر حوزه دیگری رویکردهای مختلفی وجود دارد ما یک رویکرد فطرت گرایی توحیدی هم داریم. حالا با توجه به رویکرد فطرت گرایی توحیدی و با عنایت به انواع رویکردهایی که در حوزه خاص خودمان مطرح هست ما کدام رویکرد را انتخاب کرده ایم؟ می توانیم روی آن فکر نکنیم؟ یعنی واقعاً منطقاً می شود از این عبور کرد؟ بنده تاکید می کنم شما روی این فکر کنید، یعنی تصمیم بگیرید. مثلاً در مطالعات اجتماعی شما رویکرد فردگرایی دارید اصالت به فرد می دهید، رویکرد جامعه گرایی دارید اصالت را به جامعه می دهید رویکرد بینابین دارید اصطلاحاً و احتمالاً رویکردهای دیگر. ما در مطالعات اجتماعی نوین تحولی رویکرد ما کدام است؟ ما اصالت فردی می خواهیم عمل کنیم؟ اصالت اجتماعی می خواهیم عمل کنیم؟ چه کار می خواهیم بکنیم؟ آنچه

کاربایدکنیم را شما باید پاسخ دهید. این در فنی و حرفه‌ای هم وجود دارد در جا های مختلف هم وجود دارد بنده مطالعه کرده‌ام در فنی و حرفه ای تحقیقاتی که زحمت کشیده بودند، آقای بهمنی و دوستان استحضار دارند من خیلی ورود کرده ام در مطالعه این منابع، انواع رویکردها آنجا وجود دارد حالا بنده پیشنهاد دارم به دوستان مورد قبول شان باشد، گفتم من رویکرد مبتنی آموزش عمومی را در فنی و حرفه ای به این دلیل دنبال کنیم بهتر است ممکن است فهم من هم درست نباشد من خیلی تعمق کرده‌ام، خیلی فکر کردم این پیشنهاد این را به دوستان دادم. ممکن است تأمل شود، تصمیم دیگری گرفته شود همه این احتمالات است. آنچه که در اینجا می‌خواهم خدمتتان عرض کنم شما نباید از رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی بپزید به منطق. باید بعد از رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی زیر آن چتر شما رویکرد خاص حوزه خود را معین کنید. که البته این رویکرد مغایر با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی که قطعاً نمی‌تواند باشد اما با توجه به ماهیت رشته شما عینیت پیدا کند. مثال زبان و ادبیات فارسی بنده به تناسب این مسئولیت‌ها مرور کرده‌ام رویکردهای مختلفی وجود دارد ما بنا داریم در این موقعیت کنونی چه کار کنیم؟ کدام رویکرد استفاده کنیم؟ حالا ممکن است بحث کنیم دو تا رویکرد مدنظر ما باشد، ایرادی ندارد، اما نمی‌توانیم از این عبور کنیم بعد از این که این را معین کردیم آن وقت می‌رسد به این منطق ما منطق را مگر می‌توانیم همینطوری قلم به دست بگیریم منطق برنامه درسی مان را بنویسیم؟ منطق جایش اینجا است ببینید مبانی این فلش را عنایت بفرمایید مبانی توصیف است رویکرد فطرت‌گرایی عام، تجویزهای عام است. تجویز کلی و عامی که به همه ما مربوط است. آن رویکرد، خاص تجویز خاص است و آن منطق هم بیان چرایی است. این فرمول ما است، این فرمول برگرفته از ادبیات برنامه درسی تجربیات بنده حقیر با هم خلاصه ترکیب شده و شده این. من هم به شما پیشنهاد می‌کنم بازهم روی آن بحث کنید. اما در تعیین رویکرد خاص همانطور که اشاره کردم به رویکردهای موجود در حوزه خودتان توجه کنید یعنی ما یک رویکرد رقیب می‌خواهیم تولید کنیم. می‌دانید مثلاً رویکرد فرد‌گرایی اگر انتخاب کنیم معنایش می‌دانید چیست؟ خروجی برنامه ای درسی ما باید یک انسان فرد‌گرا باشد. خوب این را که ما نمی‌خواهیم. حالا خروجی ما که عرض کردم بارها صحبت شده یک انسان چند بعدی است، به تعبیر قرآن «رشید»، واژه رشید در قرآن رشید واژه قرآنی است کسی که رشد متوازن دارد. خوب بعد منطق از درک درست از مبانی رویکرد خاص هر حوزه به دست می‌آید ما هر قدر به مبانی خودمان رویکرد خاص خودمان اشراف بیشتری پیدا کنیم بهتر می‌توانیم منطق

را تدوین کنیم خلاصه منطق حاصل یک بینایی و بصیرت است در برنامه درسی. اینکه من این زحمات شما را که در گذشته که کشیده اید در این ده روز گذشته از جناب باقریان زحمت دادم خواهش کردم آن ها را در اختیار بنده قرار بدهد من همه آنها را مطالعه کردم بیشتر حریص شدم یک چارچوبی با هم داشته باشیم. خوب حالا این جدول را ببینید، جدول خالی است این را باید پرش کرد. یعنی منظور حاصل کار این است. ما در هر برنامه درسی لازم نیست چند صفحه مطلب بنویسیم، جدول را پر کنیم. شاید یکی دو صفحه بیشتر نباشد بستگی دارد دیگر. این جدول یک ستونش عناصر است عناصر برنامه درسی یک ستون جهت گیری آن عنصر است ستون سوم چرایی آن جهت گیری است، این می شود منطق البته اگر این را خوب تنظیم کنیم این کلی کار است دیگر ما در مراحل بعدی مشکلمان کمتر است. یعنی در تدوین عناصر اینجا در جدول می آوریم بعدش دیگر راحت تر می توانیم کارمان را پیش ببریم این جدول را باید دوستان تکمیل کنند که البته تکمیل آن منوط به این مراحل قبلی است که اشاره کرده ام جدول میوه کار است خوب این مطالبی بود که من فکر کردم که در سومین جلسه هم اندیشی مان خدمت شما تقدیم کنم به زعم خودم تکلیف منطق ما را این چارچوب معین می کند اما در عین حال گفت و گو باز است الان اگر نکاتی در حد زمان مد نظرتان است بفرمایید چه بعداً در کارگروه تحول تان مورد بحث قرار دهید بسته نیست انگار مثلاً یک پیشنهادی من خدمت شما تقدیم کرده ام، بنا به تأملی که خودم داشته ام. والسلام علیکم و رحمت الله